



متن روان‌خوانی را با دقت بخوان و با توجه به متن، به سؤال‌ها جواب بده.



مادر بزرگ من در روستایی در گرگان زندگی می‌کند.

او در زمین گندم و انگور می‌کارد. برگ انگور در گرما بزرگ و سبز رنگ می‌شود.

پدر بزرگ من گویند: پروردگار بزرگ به زندگی ما در روستا برکت داده است.

او می‌گویند: پروردگار، انسان نمازگزار و راست‌گو را دوست دارد.

پدر سه گاو و یک سگ را برای گردش به دشت برد.

او می‌گویند: گرگ از سگ می‌ترسد.

پدر با گاری برای ما نارنگی و گردو آورد.

آسمان شب در روستا ستارگان زیادی دارد.

مادر برای شام، آبگوشت با نان سنگک آماده کرده بود.

ما از او برای درست کردن شام سپاس‌گزاری کردیم.



به سؤال‌های زیر با یک جمله پاسخ بده.

مادر بزرگ در کجا زندگی می‌کند؟

آسمان شب در روستا چگونه است؟

مادر بزرگ برای شام چه چیزی درست کرده بود؟

پدر با گاری چه آورد؟

۲ کلمه‌ی دو بخشی و ۲ کلمه‌ی سه بخشی که در آن‌ها نشانه‌ی «گ» داشته باشند را انتخاب کن و با آن‌ها جمله بساز.

.....

.....

.....

.....

.....

زیبا بنویس

گ گ گ

گ گ

سنگین

زگس در گرگان زندگی می‌کند.

